

بررسی صلاحیت خبرگان رهبری باید به عهده نمایندگان مراجع تقلید باشد و نه به دست شورای نگهبان | نگاه طبیعی به نفع نظریه ولایت فقیه است تا اینکه بیایم یک حالت خیلی ملکوتی به ولی فقیه بدهیم.

ولایت فقیه به معنای نظارت است و نه حکومت؛



مردم به هیچ گروهی به اندازه روحانیت اعتماد ندارند و باز هم اینها را یک گروه صادق و باتقوا می دانند. به گزارش اسپادانا خبر، علی مطهری، نائب رئیس مجلس شورای اسلامی در بخشی از گفتگو با خبرفوری می گوید: \*روحانیت هر مقدار دولتی و حکومتی شود تا حدودی از اقبال مردم به آنها کم می شود. در واقع روحانیت باید به گونه ای عمل کند که همیشه در کنار مردم و ناظر بر دولتها باشد و درد مردم را بیان کند. شهید مطهری و حتی خود امام در اول انقلاب معتقد بودند که روحانیون دولتی نشوند و پست اجرایی نگیرند و آن وظیفه اصلی خودشان را انجام دهند، حتی در جمهوری اسلامی همچنان در کنار مردم و بر دولتها نظارت داشته باشند، انتقاد کنند و انتقاد به معنی درستش را انجام دهند، نقاط قوت و ضعف را بیان کنند. حتی ولایت فقیه هم به معنای نظارت است و به معنی حکومت نیست، به معنی یک مدیر اجرایی نیست بلکه به معنای نظارت است که جامعه از مسیر اسلام خارج نشود. این نگاه باید حفظ شود منتها گاهی حفظ نشده و روحانیون ما وارد شدند و پست های دولتی گرفتند. این موضوع باعث می شود که بعضا بین آنها و مردم فاصله ایجاد شود. \*قانون اساسی یک جاهایی حتما باید تغییر بکند. از جمله در مسئله بررسی صلاحیت خبرگان رهبری که به نظر من باید به عهده نمایندگان مراجع تقلید باشد و آنها تصویب کنند که چه کسی صلاحیت دارد و چه کسی ندارد، چه کسی فقیه شمرده می شود و چه کسی نمی شود. اینکه این بررسی صلاحیت باز به دست خود شورای نگهبان است و شورا هم منصوب خود رهبری است، اشکالاتی را ایجاد می کند. بنابراین معتمد یک جاهایی قانون باید اصلاح شود. البته همین قانون اساسی موجود هم در خیلی جاها درست عمل نمی شود. مثلا مجلس خبرگان رهبری وظیفه نظارت بر بقای شرط عدالت در رهبری را دارد که بالاخره باید گاهی بررسی و سوال کنند و پاسخ بپوشند. حالا ممکن است ضرورت نباشد حتما در رسانه ها منعکس شود ولی باید بالاخره در حوزه نظارت خودشان انجام دهند و اگر سوآلی دارند مطرح کنند. نمی شود که فقط بنشینند و تعریف و تمجید کنند و نهار و شامی بخورند و بروند. این خوب نیست. امروز مجلس خبرگان رهبری کار خود را از نظارت بر رهبری به نظارت بر دولت که کار مجلس شورای اسلامی است تغییر داده است و این خلاف قانون اساسی است. چیزی از مذاکرات هم بیرون نمی آید ولی همین مجلس خبرگان شروع به انتقاد و نظارت بر دولت می کنند. در حالی که اصلاً وظیفه نظارت بر دولت را ندارند و این کاری است که مجلس دارد انجام می دهد. خبرگان باید نظارت بر رهبری داشته باشند. در واقع این روند، تداخل در کار یکدیگر است در حالی که خبرگان باید کار خودش را انجام دهد و مجلس هم کار خودش را. این رویه های اشتباه باید اصلاح شود و البته با همین قانون اساسی فعلی قابل اجراء است منتها انجام نمی دهند. \*تفسیر اشتباهی از قانون اساسی وجود دارد. مثلاً همین نظارت بر رهبری را صیانت از رهبری تفسیر می کنند. این تفسیر را از کجا آورده اند؟ مگر رهبری نیاز به صیانت دارد؟ رهبری خودش جایگاه خاص و پایگاه مردمی خودش را دارد و نیازی به صیانت شما ندارد. شما نظارت بر رفتار و عملکرد رهبری باید داشته باشید تا مردم احساس کنند همه چیز طبیعی است و حالت مصنوعی ندارد و رهبری هم مثل بقیه باید پاسخگو باشند. ما مثل کلیسای کاتولیک معتقد نیستیم که حاکم در مقابل خدا پاسخگوست اما در مقابل مردم پاسخگو نیست بلکه در دین اسلام و حکومت اسلامی ولی فقیه در مقابل مردم هم پاسخگوست. نگاه طبیعی به نفع نظریه ولایت فقیه است تا اینکه بیایم یک حالت خیلی ملکوتی به ولی فقیه بدهیم که به ضرر نظام و اصل ولایت فقیه است. شفاف شدن همین مذاکرات شورای نگهبان یا مجلس خبرگان می تواند یک وجهی از سیاست شیشه ای در ایران شود.

برچسب ها: [مجلس خبرگان](#) [1]

[ولایت فقیه](#) [2]

